



سید احمد رهنمایی: نظریه‌پردازی اساس و بنیان هر مکتب فکری است/ مراحل نظریه‌پردازی

حجت الاسلام سید احمد رهنمایی گفت: نظریه‌پردازی مستلزم خلق، تأمل و توجیه علمی مجموعه‌ای از دانش است که با مسئله پژوهش متناسب است.

حجت الاسلام سید احمد رهنمایی گفت: نظریه‌پردازی مستلزم خلق، تأمل و توجیه علمی مجموعه‌ای از دانش است که با مسئله پژوهش متناسب است.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد رهنمایی، استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه نظریه‌پردازی را باید اساس و بنیان هر مکتب فکری برشمرد، گفت: از این منظر، نظریه‌پردازی مشتمل بر فرایندی از تفکر و اندیشه‌پردازی و ارزی است که با یک یا چند رویکرد از رویکردهای گوناگون علمی؛ دینی؛ تجربی؛ معرفتی؛ فلسفی - تحلیلی، نقلی؛ اجتماعی، تاریخی؛ عصری؛ نگر و ... به تولید دیدگاهی راهبردی یا کاربردی در همه و یا یکی از حوزه‌های نگرش، انگیزش، گرایش، عمل و رفتار انسانی می‌انجامد. بدین ترتیب، نظریه‌پردازی، معیار و شاخص ارزش و اعتبار اندیشه به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که بدون آن هرگز نمی‌توان به ارزش علمی یک مکتب پی برد و از اعتبار علمی پدیدآورندگان آن اطمینان حاصل کرد. عناصر و ارکانی چون پیش‌فرض، فرض، فرضیه، مبانی، اصول، روش، فنون، معیارهای بایسته و شایسته‌ای برای نظریه‌پردازی هستند. سایر امور مرتبط با نظریه‌پردازی، متناظر به این شش عنصر کلیدی تعریف و تنظیم می‌شوند.

وی افزود: دلیل این همه تأکید بر نظریه‌پردازی و اهمیت و ارزش آن، این است که بدون داشتن یک برنامه روشن و معتبر نمی‌توان در ساحت علم و معرفت گام نهاد. از طرفی، تدارک و تدوین و تنظیم یک برنامه با ویژگی‌های کارآمدی و اعتبار، تنها و تنها از طریق فرایند نظریه‌پردازی میسر می‌گردد. تفاوتی نمی‌کند برنامه مورد نظر به کدام قلمرو مربوط باشد؛ خواه در قلمرو علوم نظری باشد، خواه در قلمرو علوم تجربی و کاربردی و خواه در قلمرو هر قسم دانش و معرفت دیگر. هرچه این برنامه علمی از ویژگی‌های برتری برخوردار باشد، به برنامه معیار نزدیک‌تر می‌شود. برنامه معیار به برنامه‌ای گفته می‌شود که درصد عیار برنامه‌ریزی، کارآمدی، کاربری و کارایی را می‌توان با آن سنجید و اعتبار امور را با آن محک زد.

این استاد حوزه و دانشگاه تأکید کرد: بدیهی است که نظریه‌پردازی در هر زمینه‌ای، مبانی، اصول و روشمندی و عناصر مخصوص به خود دارد. از این رو در بسیاری از موارد، شیوه‌ها و سبک‌های نظریه‌پردازی، پردازشی‌ها قابلیت مقایسه شدن با یکدیگر را ندارند. نظریه‌پردازی در هر مورد، صرف‌نظر از برداشت‌های گوناگونی که برای نظریه‌پردازی می‌توان یافت، بر حسب شرایط و اقتضات آن مورد، صورت می‌پذیرد.

وی در مورد مفهوم نظریه‌شناسی گفت: از بررسی‌های نظام‌مند تحلیلی در قلمرو علوم اجتماعی، انسانی، پایه، کاربردی و سایر قلمروهای علمی که به طور روشمند و بر اساس مبانی، اصول و پیش‌فرض‌ها، فرضیه و هدفی از پیش تعیین شده، به حل مسئله‌ای از مسائل مرتبط با قلمرو خاص می‌انجامد، نظریه پدید می‌آید. نظریه بدین صورت روح و حقیقت پژوهش‌های تحلیلی تلقی می‌گردد؛ به گونه‌ای که بدون استحصال نظریه در یک پژوهش، آن پژوهش عقیم خواهد بود، بلکه پژوهش نخواهد بود. بر این مبنا، انتظار تولید نظریه از بررسی‌ها و مطالعات توصیفی انتظار بجایی نیست. این قبیل مطالعات را به رغم اهمیت و ارزش والایی که دارند، یا به کلی نباید پژوهش به مفهوم مصطلح دانست و یا دست‌کم نباید انتظار تولید نظریه از آنها داشت. مطالعات توصیفی اغلب مروری و گاه ترویجی هستند و صرفاً به گزارش و توصیف یک نظریه یا یک پدیده بسنده می‌کنند.

رهنمایی با تأکید بر اینکه نظریه به دیدگاه و نظر و مشاهده و رأی مربوط می‌شود، گفت: بنابراین هر نظریه‌ای در جایگاه خودش، از حضور و نقش مؤثر شخص یا اشخاصی حکایت دارد که نظریه به نام و اعتبار آنان ثبت و ضبط می‌گردد. به چنین اشخاصی نظریه‌پرداز گفته می‌شود. صرف‌نظر از نقش

تعریف: بیان و تشریح نمادها در قالب $zwnj\>;$های مشخص کلامی و رفتاری.

مفهوم: خلق عنوان ویژه و مناسب بر اساس تعریف عرضه $zwnj\>;$ شده به منظور توصیف میان پدیده $zwnj\>;$ها.

پیش $zwnj\>;$فرض: گزاره $zwnj\>;$های حکمی از پیش تثبیت $zwnj\>;$ یافته.

فرضیه: گمانه $zwnj\>;$زنی در خصوص گزاره $zwnj\>;$های حکمی.

سؤال پژوهش: گروهی از گزاره $zwnj\>;$های حکمی که فرایند پژوهش متصدی پاسخ $zwnj\>;$گویی به آنهاست.

وی تصریح کرد: نظریه $zwnj\>;$پردازی الزاماتی نیز بر عهده نظریه $zwnj\>;$پرداز بار می $zwnj\>;$کند که از آن جمله به موارد ذیل اشاره می $zwnj\>;$شود:

۱، آشنایی کامل با نظریه؛

۲، آگاهی لازم از روش $zwnj\>;$ها و روش $zwnj\>;$شناسی پژوهش نظریه؛

۳، دانش کافی به پدیده و یا موضوع مورد بررسی؛

۴، تجربه مفید و مؤثر درباره استنباط و استخراج پدیده و موضوع مورد بررسی؛

۵، تصویری روشن از لزوم نظریه $zwnj\>;$پردازی؛

۶، درکی روشن از چگونگی پیوند مسئله پژوهشی با تدوین نظریه؛

۷، احراز آمادگی برای طرح و استخراج سؤال و فرضیه از درون ساختار نظریه تازه $zwnj\>;$ تدوین $zwnj\>;$یافته.

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد مفهوم $zwnj\>;$شناسی نظریه معیار و معیار نظریه $zwnj\>;$پردازی گفت: علاوه بر اینکه نظریه به $zwnj\>;$خودی $zwnj\>;$خود به $zwnj\>;$مثابه معیاری است که به واسطه آن، ارزش و اعتبار یک علم سنجیده می $zwnj\>;$شود، نظریه معیار در فضای نظریه $zwnj\>;$پردازی نقش مهم $zwnj\>;$تری را ایفا و جایگاه برتری را احراز می $zwnj\>;$کند. در فرایند نظریه $zwnj\>;$پردازی، همه عوامل و عناصر دست به دست هم می $zwnj\>;$دهند تا بر اساس موازین و معیارهای نظریه $zwnj\>;$پردازی، کشف نظریه معیار میسر گردد. نخست باید دید منظور از نظریه معیار چیست که کل فرایند نظریه $zwnj\>;$پردازی باید برای رسیدن به آن در تکاپو و تلاش باشد؟ نظریه معیار در برگیرنده همه پیش $zwnj\>;$زمینه $zwnj\>;$ها، زمینه $zwnj\>;$ها، بسترها و کارآیی $zwnj\>;$ها و اعتبارات ویژه $zwnj\>;$ای است که برای بازیابی و بازشناسی یا بازتولید یک نظریه علمی لازم است به کار آید. در واقع، نظریه معیار سنگ محکی است که در هر زمینه و رشته و گرایش علمی، تمامی نظریه $zwnj\>;$ها و دیدگاه $zwnj\>;$ها را با آن می $zwnj\>;$سنجند و صحت و سقم و کمال و نقص هر اندیشه $zwnj\>;$ای را به کمک آن ارزیابی و ارزش $zwnj\>;$گذاری می $zwnj\>;$کنند.

این محقق و نویسنده کشورمان در مورد ارکان نظریه $zwnj\>;$پردازی گفت: منظور از ارکان نظریه $zwnj\>;$پردازی، آن دسته خاص از مؤلفه $zwnj\>;$ها و عناصری است که بدون آنها نظریه $zwnj\>;$پردازی اساساً امکان $zwnj\>;$پذیر نمی $zwnj\>;$گردد.

وی در مورد الگوهای نظریه $zwnj\>;$پردازی هم اضافه کرد: الگو در قلمرو نظریه $zwnj\>;$پردازی، بیشتر ناظر به معیارمندی $zwnj\>;$ها، چارچوب $zwnj\>;$ها، مبانی، اصول، روشمندی $zwnj\>;$ها و اهداف خاصی است که فرایند نظریه $zwnj\>;$پردازی را در بر گرفته است. به بیانی دیگر، با در نظر گرفتن همه این مقوله $zwnj\>;$ها و عناصر است که می $zwnj\>;$توان به یک الگوی خوب و مناسب دست یافت و از آن $zwnj\>;$بهره $zwnj\>;$برداری کرد.

رهنمایی در مورد رویکردها در نظریه $zwnj\>;$پردازی هم تصریح کرد: رویکرد، ترجمه روشنی از واژه انگلیسی approach و واژه عربی النهج $zwnj\>;$است. در راستای تبیین مفهومی، واژه approach در فعالیت $zwnj\>;$های پژوهشی،

بیانگر روشی خاص از پژوهش یا حل مسئله <math>zwnj\&zwj\> است که از آغاز تا انجام و تا رسیدن پژوهشگر به نتیجه مورد نظر خویش، تکیه <math>zwnj\&zwj\> گاه فعالیت <math>zwnj\&zwj\> های پژوهشی او قرار می <math>zwnj\&zwj\> گیرد. این واژه همچنین در قلمرو مکان و زمان، بر فرایند نزدیک <math>zwnj\&zwj\> تر شدن زمان و مکان انجام شدن کار یا رویدادی دلالت دارد. حرکت به سمت یک هدف یا نزدیک شدن به چیزی و یا انتقال از موقعیتی به موقعیت دیگر، بیان دیگری از این واژه انگلیسی است. همچنین واژه مزبور به جاده یا راهی که به مکانی منتهی می <math>zwnj\&zwj\> شود و در واقع راه اصلی رسیدن به آن مکان به شمار می <math>zwnj\&zwj\> رود، تعریف می <math>zwnj\&zwj\> گردد.

وی در مورد مراحل نظریه <math>zwnj\&zwj\> پردازی اذعان کرد: نظریه <math>zwnj\&zwj\> پرداز لازم است در فرایند نظریه <math>zwnj\&zwj\> پردازی، مرحله‌ای را به طور مرتب و متوالی طی کند که عبارتند از: در جستجوی موضوع، تثبیت موضوع، سیر از معلوم به مجهول، تنظیم و ترتیب مجهولات، برداشت از معلومات، تدوین داده ها، ارزیابی داده ها، ویرایش داده ها، دریافت بازخورد، بازیابی و بازنگری، آرایش و سامان دهی، شالوده سازی، گسترش و فراگیر سازی و رسش و تولید نرم افزاری.

حجت الاسلام رهنمایی در مورد عوامل مؤثر بر نظریه <math>zwnj\&zwj\> پردازی هم گفت: باورداشت <math>zwnj\&zwj\> ها، الزامات و اصول، مواضع و گرایش <math>zwnj\&zwj\> های انسان بر روند نظریه <math>zwnj\&zwj\> پردازی او تأثیر می <math>zwnj\&zwj\> گذارند. هرکسی در هر شرایطی، از مکان و فضایی که در آن زندگی می <math>zwnj\&zwj\> کند تأثیر می <math>zwnj\&zwj\> پذیرد و هرگز از خویشتن فارغ و تهی نیست. با توجه به این برداشت، عوامل مؤثر بر نظریه <math>zwnj\&zwj\> پردازی، مشتمل بر عوامل مبنایی، اصولی، معنوی، اجتماعی، محیطی، شخصی و شخصیتی خواهد بود.